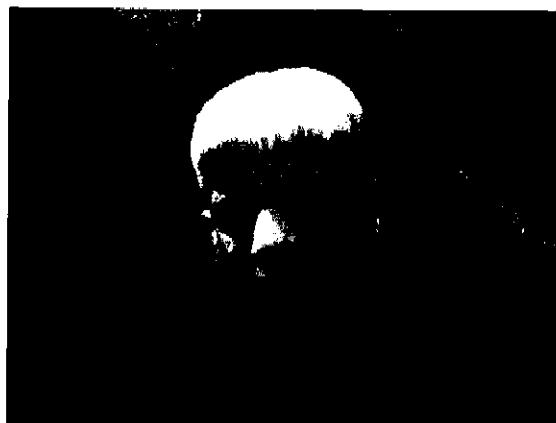




بچه‌های ناشنوا موسیقی را احساس می‌کنند

● نویسنده: نارامکالین
● مترجم: رضا بهار



طبل زدنش را تقلید می‌کرد. دوستش لوسیو هیورتا هم روی صندلیش بند نبود و غش غش می‌خندید. این بچه‌ها از جاهای مختلف ایالت اورگان در این مدرسه جمع شده‌اند و بین ۲۱ تا ۲۵ سال سن دارند.

بعضی‌ها همه هفته را در مدرسه به سر می‌برند و شب‌ها در خوابگاه می‌مانند. عوضش آخر هفته به خانه می‌روند. بعضی‌ها هم از جاهای دور و نزدیک منطقه به این مدرسه می‌آیند.

شارلوت آلیف، معلم راهنمای مدرسه ابتدایی و راهنمایی در باره‌ی قدرت شنیدن بچه‌ها می‌گوید که توان شنیداری آنها با هم فرق می‌کند. بعضی‌ها از وسایل کمک‌شنیداری استفاده می‌کنند.

بعضی‌ها هم اصلاً نمی‌شنوند. وقتی گروه نوازندگان قطعه «همانندی» را اجرا کرد، هتور از بچه‌ها پرسید: «شنیدین؟ حسن کردین؟» بچه‌ها هم با تکان دادن سر جواب مثبت دادند.

گروه که اجرای خود را تمام کرد، هتور از ۲۰ نفر از آنها دعوت کرد بروند و موسیقی خود را اجرا کنند. بچه‌ها هم روی صحنه رفتند و نقشی از موسیقی شاد و ناهماهنگ را از خود برجای گذاشتند.

لوسیو هم در این میان از فرصت استفاده کرد و خودش را به یکی از تمپوها رساند و شروع کرد به سه ضرب و چهار ضرب زدن. حالا زن، کی بزنی! بعد هم رفت سراغ طبل باس و آن قدر محکم به آن ضربه زد که انگار یک گروه نوازنده توی خیابان در حال طبل زدن است. معلمش هم از پس او بر نمی‌آمد و او هم برای خودش از این طبل به آن طبل، از این سنج به آن از این یکی زنگ به آن زنگ. خنده روی لبانش مثل طنین بلند ضرباتش، عمیق و به یادماندنی بود.

شاید اگر جای دیگری بود و تماشاچی‌ها، آدم‌های دیگری بودند بد می‌شد اگر وسط اجرا کسی حرف می‌زد. اما این برنامه فرق داشت. تماشاچی‌ها هم فرق می‌کردند. بچه‌های مدرسه ابتدایی ناشنویان اورگان دیگر در پوست خود نمی‌گنجیدند. سراپا شغف و شادی بودند. آخر، گروه هم‌نوازی آکادمی سلیم (salem) با سازهای ضربی شان به مدرسه آنها آمده بودند. ارتعاش طبل‌ها، بچه‌ها را غرق در شادی کرده بود، طوری که دیگر سر از پا نمی‌شناختند. گروه نوجوان‌های آکادمی مدرسه مسیحیان شهر سلیم، با ضربه‌های مختلف روی سازهایشان می‌زدند و بچه‌های ناشنوا هم شور و هیجان خودشان را با زبان دست و صورت و ایما و اشاره به هم نشان می‌دادند.

صدای طبل باس که درآمد، صورت همه بچه‌ها با گل‌های خنده شکفت. می‌آمدند جلو و دستشان را روی نیمکت‌ها می‌گذاشتند تا بهتر بتوانند ارتعاش ناشی از تمپوها، سنج‌ها، زنگ‌ها و طبل‌های کوچک را حس کنند. کامی هتور، مدیر گروه هم‌نوازان، روبه بچه‌ها کرد و گفت «بچه‌ها! دلم می‌خواهد خوب گوش کنید ببینید کدام صداها بلندند، کدام‌ها آرامند، کدام‌ها را تند می‌زنند، کدام‌ها را یواش». یک معلم هم حرف‌هایش را با زبان اشاره برای بچه‌ها گفت.

گروه هم‌نوازی سازهای ضربی آکادمی سلیم، یک گروه تازه کار به شمار می‌آید. هنوز هم چند وقت است دنبال جایی می‌گردد تا برنامه‌شان را اجرا کنند. او خودش در موسیقی درمانی تجربیاتی دارد و فکر می‌کند این هم‌نوازی خیلی خوب می‌تواند به دانش‌آموزان ناشنوا کمک کند تا به تجربه موسیقی بپردازند. کاسالا هانتر کودکستانی، ادای لورن شیس را در می‌آورد و